

سیاستی که مردم در آن بهایی نداشتند

۱۱ بهمن ۱۴۰۲ ساعت ۲۱:۱۲

پیوند سیاسی احزاب و حتی شخص شاه با تصمیم‌های محافل ذی نفوذ جهانی امری نبود که مورد کتمان کسی باشد، هم شاه و هم حزب ایران نوین در توهم اینکه مبدا مقامات بریتانیا از اقدامات و یا سخنان آنان رنجیده شده باشند رو به سوی داویننگ استریت می‌آوردند.

شاه تمام امور سیاسی ایران را در پیوند با غرب قرار داده بود و در اتخاذ تصمیمات سیاسی تنها به آنان اعتماد می‌کرد. این موضوع باعث شده بود تا در دایره سیاسی حکومت پهلوی نقش مهمترین رکن تصمیم‌گیری کم‌رنگ و یا حذف گردد.

«پیوند سیاسی احزاب و حتی شخص شاه با تصمیم‌های محافل ذی نفوذ جهانی امری نبود که مورد کتمان کسی باشد، هم شاه و هم حزب ایران نوین در توهم اینکه مبدا مقامات بریتانیا از اقدامات و یا سخنان آنان رنجیده شده باشند رو به سوی داویننگ استریت می‌آوردند. اینان اگر فقط به دور و بر خود می‌نگریستند و اندکی به مردم بهای لازم می‌دادند و در سلوک خود تجدیدنظر می‌کردند، نیازی به این تخیلات و توهمات نداشتند و به فرض اینکه نیروی قدر قدرتی به نام انگلستان در پس هر تحولی هم قرار داشت به اتکای توده‌های مردم تصمیمات آن را خنثی می‌کردند. اما تنها چیزی که در شطرنج سیاست ایران بهایی نداشت مردم بودند و دست‌های پشت پرده برای رسیدن به قدرت انواع توطئه‌ها را می‌آراستند و به مصالح ملی ایران ضربه می‌زدند. طرفه این که اینان بیشتر از توده‌های مردمی که چندان توقعی از شاه نداشتند مورد توجه او قرار داشتند.»

منبع: حسین آبادیان، دو دهه واپسین حکومت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۰

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49498/نداشتند-بهای-مردم-سیاستی>